



عاملان قتل شبانه محاکمه شدند

اعتماد نداشتن برخی افراد به پلیس و دستگاه قضایی یکی از معضلاتی است که عمدتاً به انتقام‌گیری‌های شخصی منجر می‌شود. بسیاری از پرونده‌هایی که در دستگاه قضایی تشکیل می‌شود ماجراهای خونی‌تری را روایت می‌کنند که در سایه عدم اعتماد به قانون شکل گرفته‌است. یکی از این پرونده‌ها که روز گذشته در دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد از ماجرای مردی حکایت دارد که مهمانش را با ادعای اینکه به فرزند او نظر بدی داشته به قتل رسانده است. به گزارش خبرنگار ما، این پرونده سه ماه پیش در دادگاه کیفری یک تهران رسیدگی شد. در جریان افتاد، بررسی‌های پلیس نشان داد جسد متعلق به قادر ۳۵ ساله است که شب قبل از کشف جسد در منزل مردی به نام نادر که از بستگانش بود مهمان بوده است. در اولین گام از تحقیقات، نادر به عنوان اولین مظنون بازداشت شد. نادر در بازجویی‌ها گفت: «آن شب مقول با برادرزمن در یک اتاق خوابیده‌بودند. وقتی صبح از خواب بیدار شدم متوجه شدم او در خانه نیست. دیگر از او بی‌خبر بودم تا اینکه فهمیدم فوت کرده است.»

بعد از توضیحات، نادر برادرزمن او به نام مه‌رمان نیز بازداشت شد، اما او هم با اظهارات ضدقضایی ابراز بی‌اطلاعی کرد. به این ترتیب سومین متهم -مهمس ناندر- که شب حادثه در خانه بود بازداشت شد، اما او نیز قتل را انکار کرد و گفت متوجه نشده است چه موقع قادر از خانه آنها بیرون رفته است.»

نادر اما چند ماه بعد لب به اعتراف کشود و گفت: «آن شب برادرزمن، مقتول را به عنوان مهمان به خانه ما آورده بود. بعد از خوردن شام، پسر کم‌اتاقی که در آن نشسته بودیم خواب بود. او را بغل کردم و به اتاق خواب بردم. همسر در اتاقی دیگر تنها خوابید و من و برادرزمن و مقتول کنار پسر خوابیدیم.»

متهم در ادامه گفت: «نیمه‌های شب همسر مرا بیدار کرد و گفت پسرم حالش خوب نیست و پریشان است. وقتی سراغ پسرم رفتم و از او سؤال کردم، متوجه شدم مقتول قصد اذیت و آزار پسرم را داشته است. از اینکه او حرمت خانام را نگه نداشته بود عصبانی شدم و او برادرزمن خواستم مرا کمک کند تا مقتول را خفه کنم. آنجا بود که برادرزمن مرا کمک کرد و او را به قتل رساندیم.»

با ثبت اظهارات متهم، برادر زن وی -مه‌رمان- نیز باز دیگر تحت بازجویی قرار گرفت. او نیز با اقرار به جرمش گفت: «مقتول را من به خانه خواهرم برده بودم به همین دلیل وقتی فهمیدم او قصد خیانت داشته است چاره‌ای نداشتم جز اینکه به نادر کمک کنم» او در ادامه گفت: «بعد از اینکه مقتول را خفه کردیم نادر که قوی‌هیکل بود خودش به تنهایی جسد را روی دوش گذاشت و سوار خودروی پراید مقتول کرد. سپس به خیابان خلوتی در شهر ری رفتیم و نادر خودرو را به آتش کشاند.» در ادامه همسر نادر هم حرف‌های شوهرش را تأیید کرد.

بعد از اعتراف متهمان و بازسازی صحنه جرم از سوی آنها، نادر به اتهام مباشرت در قتل و مه‌رمان به اتهام معاونت در قتل روانه زندان شدند. پرونده به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد اما در اولین جلسه رسیدگی به خاطر نقص در پرونده، ریاست دادگاه آن را برای تحقیقات بیشتر به پزشکی قانونی فرستاد تا اینکه صبح دپروز پرونده بار دیگر روی میز هیئت قضایی همان شعبه به ریاست قضایی توکل قرار گرفت. ابتدای جلسه بعد از درخواست قصاص از سوی اولیای نادر، نادر در جایگاه قرار گرفت و با قبول جرمش بار دیگر ماجرا را شرح داد و گفت: «پسرم بعد از این حادثه ناراحتی روحی گرفت و در بهزیستی تحت درمان است. مقتول به ما خیانت کرد به همین دلیل باید کشته می‌شد.» سپس مه‌رمان نیز به اتهام معاونت در قتل در جایگاه قرار گرفت و گفت: «قصد قتل نداشتم اما نادر مرا مجبور کرد تا او را کمک کنم. در زمان قتل همراه نادر بودم، اما او خودش به تنهایی مقتول را کشت و خودروی او را به آتش کشاند.»

سپس وکیل اولیای دم در جایگاه قرار گرفت و گفت: «متهمان دروغ می‌گویند. آنها به خاطر مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان متعینه با مقتول اختلاف داشتند و به خاطر همین او را کشتند.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.



بازداشت قاتل پای بساط مواد

پسری که متهم است در جریان درگیری هوالی ایستگاه متروی آزادگان راننده خودروی تیبیا را به قتل رسانده پس از دستگیری مدعی شد قاتل، برادرش است که شباهت زیادی به او دارد. به گزارش خبرنگار ما، این حادثه ساعت ۱۶:۳۵ عصر روز یکشنبه ۲۴مهرماه امسال مقابل ایستگاه متروی آزادگان اتفاق افتاد که در جریان آن جوان وانت سواری در درگیری با دو مرد مسافربر یکی از آنها را زخمی و دیگری را با ضربات قمه به قتل رساند. پس از اعلام این خبر تیمی از مأموران کلانتری ۱۵۲ کهرشک و لیبرم همراه مأموران منفی آذر، باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد قاتل که کامیار نام دارد هنگام خروج از پارکینگ پدرش با دو مرد مسافربر که مقابل در پارکینگ آنها پارک کرده بودند درگیر می‌شود و آنها را با قمه زخمی و از محل می‌گریزد. دوست مقتول به مأموران گفت: خودروی مقتول مقابل پارکینگ پارک بود و در حال سوار کردن مسافر بود که قاتل با خودروی وانتش بیرون آمد و با او برای اینکه سد معبر کرده بود درگیر شد. وقتی درگیری آنها بالا گرفت قاتل از خودروش قمه بزگی برداشت و یک ضربه به سینه مقتول و یک ضربه هم به صورت من زد با جا گذاشتن خودرواش از محل گریخت. پس از این مأموران جست‌وجو برای دستگیری قاتل را آغاز کردند تا اینکه دو روز قبل متهم را در خانه زن مورد علاقه‌اش که در حال مصرف مواد بود دستگیر کردند. در حالی که شاهدان همه گواهی داده بودند متهم دستگیر شده قاتل مرد مسافرکش است وی در بازجویی‌ها مدعی شد که برادرش قاتل است و الا ن هم فراری است. متهم گفت: آن روز من وقتی به محل حادثه رسیدم برادرم مرتکب قتل شده بود و من هم از ترس فرار کردم تا اینکه دستگیر شدم. متهم برای ادامه تحقیقات به دستور قاضی منفای آذر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

برداشتن گوشی تلفن و تماس با پلیس ۱۱۰ دوروایت از یک ماجرا دارد یا حادثه‌های رقم خورده و باید آن را گزارش داد یا ماجرای ناگوار در حال خوردن است و حضور پلیس می‌تواند از وقوع آن جلوگیری کند. پرسش اساسی این است که جامعه ما در کجای این ماجرا قرار گرفته است؟ جامعه‌ای پرخاشگر که پلیس بعد از تماس به محل می‌رسد یا جامعه‌ای آرام که پلیس در قامت جلوگیری از وقوع جرم خودش را به محل می‌رساند؟

رئیس پلیس کشور در دیدار روز گذشته‌اش از مجموعه انتظامی تهران بزرگ اعلام کرد که همه مأموران تحت امرش جدا از مردم نیستند. سردار اشتیری گفت که در هفت‌ماه امسال بیش از هفت‌میلیون تماس با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ برقرار شده است، یعنی ماهانه یک میلیون تماس مردمی با پلیس برقرار می‌شود که نشان از ارتباط تعریف شده میان مردم و پلیس است.

سخن رئیس پلیس کشور را از دو زاویه می‌توان مورد ارزیابی قرار داد. روی خوش ماجرای تماس‌ها می‌تواند حکایت از اعتماد مردم به پلیس باشد. آنها متوجه می‌شوند که بعد از تماس با ۱۱۰ به در خواست آنها پاسخ داده می‌شود، مأموران به موقع خود را به محل می‌رسانند و از وقوع حادثه‌ای که امکان بروز آن وجود دارد پیشگیری می‌کنند یا حادثه رقم خورده را مدیریت می‌کنند. فراوانی تماس‌های برقرار شده با پلیس ۱۱۰ البته می‌تواند روی



اعلام رضایت فرمانده ناجا از پلیس پایتخت

سردار اشتیری همچنین در بازدید از مجموعه سنادی پلیس پایتخت گفت: مردم پلیس را بروز آن وجود دارد، ندارد. این پیشگیری البته باید در بطن جامعه وجود داشته‌باشد. به عنوان مثال در ماجرای اختلاف خانوادگی وقتی زن به سمت تلفن می‌رود تا با ۱۱۰ تماس بگیرد این حرکت او باید قدرت بازدارندگی داشته باشد، اما تجربه‌های عینی خلاف این را نشان می‌دهد، از همین رو خشونت مداوم در لایه‌های مختلف جامعه در حال تولید است. مثال دیگر دربارۀ ناکامی قدرت بازدارندگی از وقوع جرم اینکۀ بازتولید خشونت در افراد به حدی سرایت می‌کند که بسیاری برای رسیدن به اهداف مجرمانه خود لباس سرداران پلیس یا مقام‌های قضایی را به تن می‌کنند!

فرمانده ناجا خبر داد

۷میلیون تماس با پلیس ۱۱۰ در ۷ماه

تماس با ۱۱۰ دو معنی دارد، اعتماد به پلیس زیاد است، پیشگیری پلیس از نزاع کم!

یک بی‌نظمی وجود داشته‌باشد، این طور نیست و این جزو افتخارات ناجا است. سردار اشتیری گفت: روزانه بیش از ۱۲ میلیون نفر در تهران تردد می‌کنند و این از افتخارات پلیس پایتخت است که امنیت را به خوبی برقرار کرده‌است.

ضرورت ارتقای امنیت تهران

رئیس پلیس کشور ادامه داد: امنیت در تهران برای ما بسیار مهم است. امنیت در حوزه‌های مختلف از جمله امنیت اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و... باید ارتقای یابد که خوشبختانه پلیس بر اساس دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها در حوزه‌های مختلف این کار را انجام داده است.

بر خود را به مخان اقتصادی

فرمانده نیروی انتظامی به وقایع بازار سکه و ارز اشاره کرد و ادامه داد: شناسایی مخان نظم اقتصادی در کشور اولویت دیگر ما بود و پلیس بعد از اتفاقاتی که در بازار ارز رخ داد جزو مجموعه‌های پیش‌تاز بوده و اقدامات ما سبب شد تا دو نفر از مخان نظم و امنیت که از سوی پلیس شناسایی شده بودند صبح چهارشنبه اعلام شوند. سردار اشتیری همچنین به ساختار جدید ناجا اشاره کرد و ادامه داد: ساختار جدید نیروی انتظامی جزو اولویتهای ما است که در حال بررسی آن هستیم تا آن را به ستاد کل ارائه داده و پس از اخذ موافقت‌های لازم آن را اجرایی کنیم.



بازداشت داوود دویستی و امید موتوری

داوود دویستی پسر ۱۸ساله‌ای است که به خاطر نداشتن مهارت «نه» گفتن پایش به دنیای تبهکاران باز شده است. سرهنگ علیرضا علیزاده رئیس کلانتری ۱۰۷ فلسطین می‌گوید: داوود و همدستش که به امید موتوری معروف است را مأموران گشت کلانتری هنگام سرفت گوشی تلفن همراه یکی از شهروندان بازداشت کرده‌اند. داوود وقتی مورد بازجویی قرار گرفت به ۲۵سرفت اعتراف کرد و ماجرای سارق شدنش را این‌گونه شرح داد:

من در یک خیاطی کار می‌کنم حدوداً چهارماه قبل ابرج، یکی از دوستانم به من گفت برای شرکت در فرقه‌کشی پول نیاز دارد و به من پیشنهاد داد ترک موتورباشینم و به خیابان شرعی برویم تا راه و روش سرفت را به من یاد بدهد که نتوانستم بگویم و قبول کردم.

چه چیزهایی یادت داد؟

این که از کجا سرفت کنیم، چه موبایلی را بقیابیم، از چه کسی بقیابیم و بعد از زردی از کدام راه‌ها فرار کنیم که گرفتار نشویم و از همین چیزها... به هر حال به خیابان شرعی رفتم و یک گوشی سامسونگ از مردی میانسال دزدیدیم و بعد ابرج گوشی را در خیابان مولوی ۴۰۰هزار تومان به یک مالخر فروخت و نصف پول را به من داد.

الان ابرج کجاست؟

مأموران او را مدتی قبل دستگیر کردند که زندان است. بعد چه کردی؟

پول مفت به من مزه کرده بود تصمیم گرفتم خودم جای ابرج را بگیرم. پیش یکی از دوستانم رفتم که در محل همه به او می‌گفتند «امید موتوری». دست فرمان خوبی داشت به او پیشنهاد کردم و او هم قبول کرد.

از چه کسانی سرفت می‌کردید؟

ما از کسانی که سرشان در گوشی‌شان بود زدی می‌کردیم و بیشتر از مردها، بعد فصرار می‌کردیم و گوشی را به مالخر حدوداً ۴۰۰هزار تومان می‌فروختیم. برای هر گوشی نصف خودم و نصف امید، نفری ۲۰۰هزار تومان برمی‌داشتم.

پس برای همین «داوود دویستی» صداقتی می‌کنند؟

چه شد دستگیر شدی؟

در خیابان شرعی بودیم که یک گوشی آیفون زدیم غافل از اینکه پلیس برای ما کمین کرده‌بود و تعقیبمان کردند، همه راه‌ها را بسته بودند که گیر افتادیم.

هر حرفی داری بگو.

من پدر زحمت‌کشی دارم، مادرم هم خیلی برای من تلاش کرد دو برادر بزرگتر و یک خواهر و برادر کوچکتر از خود دارم. نمی‌دانم چگونه باید به صورت‌شان نگاه کنیم. جرم‌مندگی چیزی برایم نمانده‌است و خجالت می‌کشم. هر بلای سرم آمد برای رفیق‌بازی بوده‌است.



گروگانگیران دانش آموز شیرازی به دام افتادند

مأموران پلیس سه گروگانگیری که پسر ۱۰ساله‌ای را جلوی مدرسه‌اش در شیراز ربوده بودند به دام انداختند و گروگان را آزاد کردند.

ساعت ۷:۴۵ صبح دیروز مأموران پلیس شهرستان شیراز با تماس تلفنی شهروندی از ربودن پسر بچه ۱۰ ساله‌ای با خبر و راهی محل شدند. بررسی‌ها نشان داد سرزشتیان پژو ۴۰۵ که سه مرد هستند راه سرویس مدرسه‌ای را در بلوار بعثت شیراز سد کرده و پسر بچه ۱۰ ساله را ربوده و از محل گریخته‌اند. در این مدت دوباره بیماری‌ام اوج گرفت و چند بار بی‌حس برای درمان به بیمارستان روزبه رفتم. چند روزی بود که فرصت‌هایم کم می‌شد و در نهایت به بیمارستان بستری شدم. پس از آن همیشه تحت درمان بودم و هر زمانی که راه‌روهایم را مصرف نمی‌کردم تا اینکه امروز مادرم برای انجام کاری به بازار رفت. لحظه‌حادثه جلوی پنجره بودم که دیدم بچه‌ها از مدرسه بیرون آمده‌اند و تصمیم گرفتم به بهانه نشان دادن گوشی خود تعدادی از آنها را به خانه‌مان بکشم و از آنها سرفت کنم. به بچه‌های زیادی پیشنهاد دادم برای دیدن خرگوش به خانه‌مان بیايند، اما تیلیمن تا اینکه این‌دم دانش‌آموز قبول کردند. هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه متهم به دستور قضایی برای معاینه به پزشکی قانونی معرفی شد.

مصرف مواد مخدر به جرائم بسیاری منجر می‌شود

قاتل معتاد به محل جرم بازگشت



قانونی منتقل شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بازداشت حامد دست به کار شدند. کارآگاهان در اولین گام محل‌های تردد حامد ۲۲ آبان‌ماه او را در حالی که برای تهیه پول مواد به خانه‌شان مراجعه کرده بود، بازداشت کردند. حامد در توضیح شب حادثه گفت: آن شب متوجه شدم که چند نفر از مأموران کمپ برای بردن من مقابل خانه‌مان آمده‌اند آنها لحظاتی بعد وارد خانه شدند. من خودم را به آشیزخانه رساندم و جاقویی برداشتم و خودزنی کردم. می‌خواستیم با این کار خانواده‌ام ننگارند من در راه کمپ بپرند. به مادرم گفتم مأموران را از خانه بیرون کند. از خانه خارج شدم، اما فهمیدم یکی از آنها پشت در کمین کرده است. او می‌خواست من را بگیرد و به کمپ ببرد. به طرفش دویدم و جاقو را در قفسه سینه‌اش فرو کردم که روی زمین افتاد. بعد از خانه فرار کردم. سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات بیشتر از متهم در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

ربودن دانش آموز به بهانه نشان دادن خرگوش

از آنجایی که من و دوستم علاقه زیادی به خرگوش داشتم، از پسر جوان خواستیم یکی از خرگوش‌ها را به جلوی در بسازد و ما به نشان دهد. لحظاتی بعد پسر جوان به جلوی در آمد و گفت خرگوش‌ها داخل قفس و در حال غذا خوردن هستند و بهتر است ما به داخل خانه‌شان برویم و هر کدام را که دوست داشتیم از قفس بیرون بیاوریم و با آن بازی کنیم. وقتی وارد خانه‌شان شدیم خبری از خرگوش نبود که ناگهان پسر جوان ما را با تهدید جاقو داخل اتاقی زندانی کرد. او تلفن همراه مرا و پول‌های تو جیبی من و دوستم را به زور گرفت. او قصد داشت ما را آزار و اذیت کند که او را فریب دادیم و در فرصت مناسب از خانه‌شان گریختیم و به اداره پلیس آمدیم. با طرح این شکایت بلافاصله تیمی از مأموران پلیس‌راهی خانه‌مورد نظر شدند. مأموران محل حادثه پسر ۲۱ساله‌ای به نام سهیل را بازداشت کردند. بررسی‌ها حکایت از این داشت پسر جوان در نبود مادر و پدرش، دو دانش‌آموز را به بهانه نشان دادن خرگوش به خانه‌شان کشاند و از آنها سرفت کرده است. متهم در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کرد و گفت: من از کودکی دوباره مورد کودک‌آزاری

بی‌توجهی به ابتلای بیماری‌های روحی روانی کودکان می‌تواند در بزرگسالی به حوادث ناگوار منتهی شود. حوادثی که تأثیرات ناگوار آن ممکن است خانواده و کودکان دیگری را هم با آن درگیر کند. در جریان یک پرونده که در دادسرای تهران تشکیل شده است پسر جوانی، دو دانش آموز را به بهانه نشان دادن خرگوش به مخفیگاهش کشاند و بی‌ایجاد و حشمت برایشان اموالشان را سرفت کرده است. او در بازجویی‌ها گفته است در دوران کودکی به بیماری روحی روانی مبتلا شده و یک بار هم هدف کودک آزاری قرار گرفته بود.

پس از آن جسد به دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بازداشت حامد دست به کار شدند. کارآگاهان در اولین گام محل‌های تردد حامد ۲۲ شامگاه ۲۲ آبان‌ماه او را در حالی که برای تهیه پول مواد به خانه‌شان مراجعه کرده بود، بازداشت کردند. حامد در توضیح شب حادثه گفت: آن شب متوجه شدم که چند نفر از مأموران کمپ برای بردن من مقابل خانه‌مان آمده‌اند آنها لحظاتی بعد وارد خانه شدند. من خودم را به آشیزخانه رساندم و جاقویی برداشتم و خودزنی کردم. می‌خواستیم با این کار خانواده‌ام ننگارند من در راه کمپ بپرند. به مادرم گفتم مأموران را از خانه بیرون کند. از خانه خارج شدم، اما فهمیدم یکی از آنها پشت در کمین کرده است. او می‌خواست من را بگیرد و به کمپ ببرد. به طرفش دویدم و جاقو را در قفسه سینه‌اش فرو کردم که روی زمین افتاد. بعد از خانه فرار کردم. سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات بیشتر از متهم در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

